

زمین گردشگری (ژئوتوریسم): شاهراهی ماندگار و پایدار به سوی زیبایی آرمانی در زمین

عباس مهرپویا^۱ و علی اصغر مروت^۲

گروه زبان انگلیسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
دانشگاه پیام نور تویسرکان، تویسرکان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۵/۱۲

چکیده

با بنیاد قرار دادن خرد همگانی (Common Sense) و بهره‌گیری از ویژگی خردگرایی در انسان و پذیرش آن به عنوان ابزاری همگانی، پژوهش پیش رو به روشنگری در این باره می‌پردازد که زمین گردشگری و گردشگری در طبیعت با فراهم آوردن بخت شایسته در دستیابی به داده‌های ناب و دست‌نخورده زمینی از راه کاوش و جستجوی خردگرایانه در طبیعت و رویارویی و نگرش در پدیده‌های بیشمار زمین‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی آن، می‌تواند تعریفی روشن‌تر از زیبایی را به دست دهد که این خود در پیوند با اندیشه زمین گردشگری زیبایی‌شناسانه است. به گفته دیگر، زمین گردشگر در گردش و کاوش خود با گام نهادن در راه‌هایی که به نگاهی نزدیک‌تر به تار و پود درهم تنیده از بافت‌مان گسترده زمین می‌انجامد، در جستجوی خردگرایانه درگیر می‌شود که به دستیابی وی به برداشت اندیشی روشن‌تری از زیبایی می‌انجامد. بر این اساس انجامین در پژوهش پیش رو آنست که زمین گردشگری و گردش و کاوش در پدیده‌های زمینی از جمله راه‌های پربراری است که به روشنگری برداشت اندیشی انسان از زیبایی کمک می‌کند و این خود به گشودن فرایند (واژه فرایند ساخته نگارنده در برابر نهاده واژه انگلیسی horizon است)، ماندگارتر و پایاتر برای ساختن و گسترش زمین گردشگری پایدار بر پایه زیبایی‌شناسی زمینی خردگرایانه خواهد انجامید.

کلیدواژه‌ها: زمین گردشگری، زیبایی، زیبایی‌شناسی زمینی، خردگرایی، خرد همگانی، زیبایی‌شناسی زمینی خردگرایانه

E-mail: abbas.mehrpooya@gmail.com

*نویسنده مسئول: عباس مهرپویا

۱- مقدمه

زیبایی سرمایه طبیعت است، آن را نباید انباشت و باید در گردش باشد....
جان میلتن (۱۶۷۴-۱۶۰۸)، کوموس

'Beauty is Nature's coin, must not be hoarded, But must be current, ...'

John Milton, 1608-1674 (COMUS)

(گزین گفته در فرهنگ گزین‌گویی‌های وردزورث به ویرایش سی رابرتسون، ۱۹۹۷)

(Quoted in Dictionary of Quotations edited by C. Robertson, 1997)

در این جستار، نگارنده، رهنمود استاد محمدحسن نبوی - که به شایستگی در سخن سردبیر ارجمند در فصلنامه علوم زمین (شماره ۷۶، تابستان ۱۳۸۹) گنجانده شده است - را به گوش جان سپرده و کوشیده است تا با به کارگیری دامنه‌ای گسترده‌تر از واژگان زبان پارسی و گاه بهره‌گیری از واژه‌سازی درخور با بافتار آهنگین این زبان، اندیشه‌های برآمده از این پژوهش را هر چه پارسی‌تر به رشته گفتار در آورد؛ آن گونه که این نگاه‌ها هر چه بیشتر زینده پیشینه زبانی و آیین پارسی‌نگاری باشد که در دانش زمین‌شناسی ایران، به شایستگی و به انجام، پاس داشته شده است. و بی‌گمان باید گفت که در میان دیگر رشته‌های دانشی در این سرزمین، زبانی که دانشمندان رشته زمین‌شناسی در نگارش یافته‌های دانشی و پژوهشی خود به کار می‌گیرند، از راه افزودن بر توانمندی زایشی واژگانی و کمک به پویایی زبان پارسی شایسته ستایش است.

انسان امروزی به این باور رسیده است که زمین با همه فراوانی پدیده‌هایش سرچشمه‌ای برترین را برای خردورزی و زیبایی‌شناسی آرمانی به دست می‌دهد، آنچه زمانی به کف می‌آید که به خوبی دیده و دریافته شود. این جستار در پی آن است که رهنمودهایی را پیش روی نهاد در این باره که جست‌وجوی انسان در زمین و در پدیده‌های زمین‌شناختی بسیار گونه به گونه آن می‌تواند او را در رسیدن به تعریفی روشن‌تر از زیبایی یاری دهد. به گفته دیگر، زمین‌گرد در تلاش خود در پی‌موردن راهی که به نگاهی نزدیک‌تر به رشته‌های نازک‌بافته زمین می‌انجامد در کشتی درگیری می‌شود که خود رسیدن به برداشتی روشن‌تر از زیبایی و زیبایی‌شناسی را برای وی در پی خواهد داشت.

۲- نام‌واژه "زمین گردشگری (ژئوتوریسم)"

از هنگام پیدایش نام‌واژه زمین گردشگری در آغاز دهه نود، تعاریفی چند از سوی اندیشمندان برای این نام‌واژه ساخته و پرداخته شده است. این در حالی است که به خاطر سرشت چند نگره‌ای این رشته دانشی - پژوهشی هنوز هیچ تعریف بسنده و همساز همگانی برای این واژه وجود ندارد. این از آن روست که تعاریف برنهاده در شیوه نگرش و واکاوی این اندیشه، یا بسیار خردنگرانه و یا بسیار کلان‌نگرانه (دو واژه خردنگرانه و کلان‌نگرانه از سوی نگارنده، برابر نهاده دو واژه انگلیسی atomistic و holistic گذارده شده‌اند) بوده‌اند که نتوانسته‌اند گستره گرایش زمین گردشگری را چون کلی یکپارچه و در برگیرنده همه نگره‌های پیرامون هسته کانونی آن در یابند. اگر چه به گفته ماهنامه National Geography (2007) نام واژه زمین گردشگری به شیوه غیر رسمی از سال ۱۹۹۷ در کار بوده است، اما پیدایش نخستین آن در مجله بررسی ژئوتوریسم (Geotourism Study) به سال ۲۰۰۲ بود (مجله‌ای که با پشتیبانی ماهنامه National Geography Traveler و راهبری انجمن رهنوردی آمریکا (Travel Industry Association of America) به چاپ می‌رسد) که در بخش پیشنهادی همگانی خود با نام «پیرامون ژئوتوریسم» (About Geotourism) این نام‌واژه را آن گونه که در بی‌می‌آید می‌شناساند: "گردشگری‌ای که به نگاهداری و برکشیدن چستی جغرافیایی یک سرزمین (زیستگاه، جایمان (واژه جایمان ساخته نگارنده، برابر نهاده واژه انگلیسی heritage است)، زیبایی‌شناسی، فرهنگ و بهزیستی مردم هر سرزمین) می‌پردازد."

این تعریف نخستین همواره گشوده به پرسش و خردگیری بسیار بوده است، اگر چه پیدایش تعاریف آینده را نیز برای این نام‌واژه برانگیخته است. Dowling & Newsome (2006) با یادآوری این نکته که هیچ تعریف همساز هماهنگی از نام‌واژه "ژئوتوریسم" در میان نیست در آخرین بخش از کتاب ژئوتوریسم، زیر نام جستارها و چالش‌های ژئوتوریسم، تعریف خود را از راه جداسازی نام‌واژه ژئوتوریسم به دو بخش واژگانی سازنده آن به دست می‌دهند، آن چه واکاوی کم‌ویش فراگیری به چشم می‌آید و در بخش نخست کتاب زیر نام گستره و چستی ژئوتوریسم گنجانده شده است:

کتاب زمین‌گردشگری به عنوان کاری زیاده در این زمینه، شماری از تعاریف برنهاد از سوی چندی از دانشمندان سراسر جهان را در خود جای داده است؛ آنچه از این کتاب خاستگاهی استوار برای کارها و پیشرفت‌های سپسین ساخته است. پیشنهاد هر تعریف دیگری برای زمین‌گردشگری فرای چشم‌داشت جستار پیش روست و هدف آن نیز نیست، چرا که پیش تر خیلی از تعاریف گونه به گونه از سوی کارشناسان و دانشمندان این رشته پیشنهاد شده است. با این همه، آن چه این جستار در پی انجام آن است فراهم آوردن و افزودن بنیادی خردگرایانه برای دانش چند شالوده‌ای زمین‌گردشگری است (آنچه که به همان "ارج‌گذاری زیبایی‌شناسانه تنها" می‌پردازد)، همان ویژگی‌ای است که کم‌وبیش در تعاریف تاکنون پرداخته از زمین‌گردشگری همچون باوری ناستوده با آن برخورد شده است؛ ویژگی‌ای که اگرچه همواره پذیرفته شده می‌نموده، اما به دلیل رویکرد کاربردی هواداران و کارشناسان رشته زمین‌گردشگری کم‌وبیش نادیده انگاشته و کمتر به آن پرداخته شده است.

نگارندگان در این پژوهش در پی دگرسوسازی گرایش به زمین‌گردشگری و دگرگون‌سازی نگرشی هستند که با به کار گرفتن رویکردی کلان در برخورد با رشته زمین‌گردشگری روی از خود زمین‌گردشگر برمی‌دارد؛ آنها همچنین می‌کوشند تا به زمین‌گردشگر و رویارویی و همکنشی وی با زمین و پدیده‌های گوناگون زمینی بپردازند؛ و این همه، راهی ایمن‌تر را به سوی سرانجامی پایا تر و پایدارتر برای زمین‌گردشگری پیش روی می‌نهد، چرا که دهش کلیدی را به نگرش زمین‌گرد در پیوند با زمین می‌دهد و نه تنها بزرگنمایی صنعت زمین‌گردشگری. چشم‌اندازی که این پژوهش، پیش روی خوانندگان خود می‌گذارد آن است که زمین‌گردشگری و بویژه زمین‌گردشگری زیبایی‌شناسانه یک نیاز است چرا که سرشت انسان نیازمند آنست که از زیبایی سیراب شود و گردش در زمین راهی است که زمین‌گردشگر در آن گام می‌گذارد تا خود را از بخت دیدار از نمودهای ناب زیبایی در دل پدیده‌های زمینی و ویژگی‌های گوناگون زمین‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی در زمین بهره‌مند سازد و این همان زمین‌گردشگری زیبایی‌شناختی است.

۳- زمین‌گردشگری، سرشت زیبایی و زیبایی زمینی

زمین‌گردشگری کنشی است که به دیدار انسان از پدیده‌های زمینی و برخورداری یافتن وی از نمودهای شگفت‌انگیز زمین‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی می‌انجامد. در جهان امروز، با گرایش فزاینده به سوی کنش‌هایی چون طبیعت‌گردی و زمین‌گردشگری، مردم بسیاری از گوشه کنار جهان در پی دیدار از ویژگی‌ها و کشش‌ها و گیرایی‌های زمینی (و یا اگر زیباشناسانه‌تر سخن بگوییم زیبایی‌های این نگارستان پرشگفتی زمینی) آهنگ راه می‌کنند.

هر ساله برای سیراب کردن تشنگی دوست‌داران طبیعت سرمایه بسیاری به کار گرفته می‌شود و این خود سود بسیاری را برای کشورهای سراسر جهان در پی دارد. زمین‌گردشگری که نمود نوینی از مهرورزی انسان به زمین است بی‌گمان ریشه در گرایشی درونی دارد که در سرشت کنش‌وران این رشته جای دارد. (Amrikazemi, 2010) در اطلس توانمندی‌های ژئوپارک و ژئوتوریسم ایران چنین می‌گوید: "...انسان همواره به‌طور غریزی به دنبال زیبایی بوده و جذب پدیده‌های زیبا و دیدنی می‌شود." وی سپس می‌افزاید که "این موضوع در ژئوتوریسم نیز کاملاً صادق است". کاظمی زیبایی‌شناسی پدیده‌ها و ویژگی‌های زمین‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی یک پدیده را "عاملی مهم در جلب توجه همگان به‌خصوص افراد غیرمتخصص" می‌داند و بر این بافشاری می‌کند که "دانستن تاریخچه شکل‌گیری این پدیده و یا اهمیت علمی آن" آن چیزی است که در گامه سپسین بدان پرداخته می‌شود. اما پرسشی که در اینجا درباره زمین‌گردشگری از نگاه خردگرایانه پیش نهاده می‌شود این است که آیا این کنش به‌جز پشتوانه گرایش درونی گردشگران پشتوانه

در تعریف ما از زمین‌گردشگری بخش زمین با زمین‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی و اندوخته‌های زمینی چشم‌انداز، زمین‌ریخت، لایه‌های سنگواره‌ای، سنگ و کانی در پیوند است، اگر چه بر ارج گذاشتن بر فرایندهایی که چنین نمودهایی را آفریده‌اند و می‌آفرینند. با فشاری می‌کند. از همین رو، بخش گردشگری در نام‌واژه زمین‌گردی در برگزیده دیدار از زمین‌گاه‌ها در پی سرگرمی کنش‌پذیر، شگفتی‌جویی، ارج‌گذاری و یادگیری است.

در بخش ششم از کتاب زمین‌گردشگری، با نام زمین‌بوستان‌ها- رهپویه‌ای بومی، اروپایی و جهانی با نگاه به زمین‌گردشگری ولی نه از کنج سوی دانش زمین‌شناسی تنها، (Frey et al. 2006) به شناساندن رویکرد نمو و گسترش زمان‌گرایانه یک زمین‌بوستان در پی نزدیکی و پیوند میان تصمیم‌گیرندگان در زمینه سیاست و بازرگانی و نیز دانشمندان و کارگردانان بومی می‌پردازند. با نگاه به زمین‌گردشگری به‌عنوان چالشی که برای پایایی و پیشرفت دانش زمین‌شناسی، رسیدن به سود همگانی و نیز برای گسترش و نمو پایدار زمین‌بوم‌ها در ترازوی جهانی باید با آن روبرو شد، آنها یادآور می‌شوند که نگره پایداری، فرایند نگاهداری از زمین‌بوم‌ها و کارآفرینی در آنها، ایمن‌سازی بخش گردشگری، پذیرایی و هماهنگی در نگاهبانی جایمان زمین‌شناسی و طبیعی (geological and natural heritage conservation) را در همراهی با ایمن‌داشت زیست‌گاه و برنامه‌ریزی‌های بومی زیرمانش (واژه مانش، ساخته نگارنده، بر گرفته از ریشه مانستن است. از این دست واژه‌سازی در زبان فارسی می‌توان به ساخت واژه دانش از ریشه دانستن و خوانش از ریشه خوانستن اشاره کرد) خود دارد.

(Frey et al. 2006) همچنین با نگاه به زمین‌گردی به‌عنوان رشته‌ای کلان‌پایه، و نیز با در نظر داشتن برون‌داد رویکرد "فراگیری از راه انجام" (learning-by-doing) و سازمان‌بخشی دانشی به روشنگری کاربردی- راهبردی نام‌واژه زمین‌گردشگری می‌پردازند. تعریف (Frey 1998)، آن چنان که در همایش انجمن زمین‌شناسی آلمان (German Geological Society) به سال ۱۹۹۸ پیش از این بدان پرداخته شده بود، این گونه است:

زمین‌گردشگری همان همکاری میان‌رشته‌ای در رشته‌های اقتصادی، پیشرفت‌گرا و پرشتاب است که به زبان خود سخن می‌گوید. زمین‌گردشگری بخشی نوین در پیشه‌وری و دادوستد است. کار بنیادین زمین‌گردشگری فرارفت و رسانش (دو واژه فرارفت و رسانش از سوی نگارنده، برابر نهاده دو واژه انگلیسی transfer و communication گذارده شده‌اند) دانش و اندیشه‌ها به همگان است.

در بخش دوازده از کتاب زمین‌گردشگری (Hose, 2006) با نام زمین‌گردشگری و ترجمان (انتشار یافته به سال ۱۹۹۵ در نگاه‌شده‌ای به سفارش یک جستارنامه ترجمان پیشرو بریتانیایی)، شاید نخستین تعریف شناخته شده از زمین‌گردشگری را این گونه که در پی می‌آید به‌دست می‌دهد:

"فراهم‌آوری آمادگی‌های ترجمانی و کارپردازی برای توانمندسازی گردشگران در دست‌یابی به دانش و رسیدن به دریافت زمین‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی درباره یک زمین‌گاه (از جمله دهش آن برای گسترش دانش‌های زمینی) فراسوی ارج‌گذاری زیبایی‌شناسانه تنها."

با چشم‌داشتن به این نکته که تعریف یاد شده از تعریفی پیش‌نویس برمی‌آید که در پژوهشی (به‌طور غیررسمی) به سفارش «طبیعت‌انگلیس» (English Nature) انجام گرفته بوده است (Hose, 1994)، وی سپس این تعریف را گسترش داده (Hose, 1996) و آن را این گونه پالایش می‌کند (Hose, 2000):

"فراهم‌آوری آمادگی ترجمانی و کارپردازی برای افزودن بر ارزش و سود همگانی در سایت‌های زمین‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی و از جمله برکشیدن دانشه‌های آنها و ایمن‌سازی فرایند نگاهداری از آنها برای بهره‌گیری دانشجویان، گردشگران و دیگر سرگرمی‌جویان."

می‌خوانیم که: "این دو واژه نیز از میان واژه‌های ساخته و برآمده از ددرس‌آفرینی فراگیتی‌شناسان آماج خرده‌گیری بسیار بوده‌اند..." (اکنون ناتوانی خردورزان در روشنگری پیرامون دیدگاه درهمان‌گرایی به نمود یافتن دیدگاه شناساگرایی انجامیده است، اما این بدان معنا نیست که از سوی دیگر در روشنگری دیدگاه شناساگرایی تلاش‌های پیروزمندانه‌ای روی داده باشد. هر دو دیدگاه یادشده هنوز هم توان در آوردگاه رویارویی اندیشه‌های خردورزان در پیکارند، اما هیچ یک نتوانسته است بر دیگری چیرگی یافته و آن دیگری را از داو هم‌نبردی به در کند.

جستار پیش‌رو بر پیش‌انگاره درهمان‌گرایی یا عینیت‌گرایی درباره زیبایی استوار است و اگر به پژوهشی در این باره نمی‌پردازد از این روست که چشم‌داشت دیگری دارد. چشم‌داشت این جستار ارزش‌گذاری خردگرایانه در باره زمین‌گردشگری بر پایه انگاره درهمان‌گرایی در زیبایی‌شناسی زمینی است. از این روست که انجام بررسی و پژوهش درباره خود این پیش‌انگاره در این جستار نمی‌گنجد.

۴- نیاز به زیبایی‌های زمینی

اگر لذت بردن و برخوردارگی جویی از زیبایی‌های زمینی پذیرفته شود، این خود به تنهایی زمین‌گردشگری را پذیرفتنی نمی‌سازد. ولی اگر آزمون پذیرفته بودن لذت بردن از زیبایی‌های زمینی برای آزمون پذیرفتنی بودن زمین‌گردشگری کافی نیست، باری لازم است. بر این پایه، نخست نیاز است به پژوهش در این باره پرداخت که آیا می‌توان پشتوانه‌ای خردپسند برای برخوردارگی جویی و لذت بردن از زیبایی‌های زمینی یافت یا برخوردارگی جویی و لذت بردن از زمین زیبا تنها بر گرایش استوار است که آدمی را به سوی آن می‌کشد و اگر گرایش یاد شده در کار نباشد، آیا هیچ انگیزشی نمی‌توان یافت که بتوان با بهره‌گیری از آن کسانی را که در جستجوی چرایی در این باره هستند، به درک زیبایی‌های زمینی برانگیخت؟ چنین می‌نماید که لذت بردن از زیبایی زمینی پذیرفتنی باشد. چه، چنین رویی از لذت بردن در درازای تاریخ و در گستره جغرافیا تکرار و پایایی داشته است و چنان که می‌دانیم گرایش که در افراد یک گونه تکرار و پایایی داشته باشد گرایش نهادی است و امری غریزی و سرشتی به‌شمار می‌آید. تکرارپذیری و پایایی حس برخوردارگی جویی و لذت بردن از زیبایی از سوی دانش‌هایی چون جامعه‌شناسی و تاریخ، اثبات‌پذیر است و چرایی این گفته را می‌توان در آن دانش‌ها جست. بررسی تاریخ مردمان سراسر جهان این گفته را به‌خوبی اثبات می‌کند که انسان همیشه در برخوردارگی از نمودهای زیبایی زمینی به لذت می‌رسیده، و از همین جا هنرهای گوناگون و بویژه سرایش و هنر سرودار (واژه سرودار ساخته نگارنده، از ریشه پارسی سرودن برابر نهاده واژه انگلیسی poetry است.) از پی برخوردارگی از زیبایی‌های زمینی و طبیعت در انسان برانگیخته و رخ نموده‌اند. اگر بپذیریم که این گرایش تکرار و پایایی داشته است، پذیرفتن سرشتی یا نهادی بودن آن کار دشواری نیست. چه، مرز جدایی‌پذیری ویژگی نهادی از نانهادی در همین تکرارپذیری و پایایی است. گرایش‌هایی چون گرایش به خوردن و نوشیدن که از گرایش‌های سرشتی هستند، در درازای تاریخ و در همه مردمان تکرار و پایایی داشته‌اند؛ اما گرایش‌هایی چون گرایش به داشتن برخی ابزار و دارایی‌ها در زندگی چنین نبوده و از مردمی به مردمی دیگر گونه‌به‌گونگی داشته‌اند.

بر این بنیاد، می‌توان پذیرفت که گرایش تکرار شده و پاینده در یک گونه، در آن گونه نهادی است؛ اما باید به‌هوش بود که از واژه «نهادی» برداشت بیشینه آن را نجست چرا که برابر با آن، آن ویژگی‌ای نهادی یک گونه است که به هیچ روی و در هیچ شرایط زمانی و مکانی از آن گونه جدایی‌پذیر نباشد؛ از این رو، برداشت ما از «نهادی» در این گفتار برداشت کمینه از آن است. نهادی آن چنان که ما از آن در این گفتار یاد می‌کنیم، همان ویژگی‌ای است که پایداری بیشتری در میان یک گونه داشته باشد، اگر چه احتمال جدایی‌پذیری آن در آن گونه از میان نمی‌رود. از این

خردگرایانه‌ای نیز دارد؟ به گفته دیگر، اگر هیچ گرایشی به زمین‌گردشگری در انسان وجود نداشت آیا این آمادگی هست که بتوان دلایلی را پیش روی انسان نهاد و از این راه توان پذیرش چنین گرایشی به زمین‌گردشگری را در انسان برانگیخت و باز هم به گفته دیگر آیا می‌توان برای زمین‌گردشگری از راه خردگرایی «ارزشی» را بنیاد نهاد و این کار را ارزشمند دانست؟

در پیوند با پرسش بالا ما به پژوهش در دو زمینه زیبایی زمینی و زیبایی هنری خواهیم پرداخت و تلاش خواهیم کرد به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

۱- آیا زمین‌گردشگری آمادگی بهتری را در برآوردن گرایش و نیاز انسانی به زیبایی زمینی فراهم نمی‌آورد؟ و به دیگر سخن: آیا نمی‌توان گفت زمین‌گردشگر بهتر از هر کسی (هر کسی که برآوردن نیاز خود به برخوردارگی از زیبایی‌های زمینی را تنها در زیستگاه پیرامون خویش می‌جوید) می‌تواند این نیاز را به شیوه‌ای ارزنده‌تر و خوشایندتر برآورده سازد و از احساس زیباشناختی بهتری برخوردار شود؟

۲- آیا کامیابی زمین‌گردشگر از زیبایی‌های زمینی در سرتاسر جهان به او این آمادگی را نمی‌دهد که بهتر بتواند به آفرینش کار هنری پردازد یا دست‌کم بهتر بتواند به داوری درباره کار هنری پردازد؟

پیش‌نگره‌هایی که ما در این گفتار به آزمون خواهیم گذاشت اینها هستند:

۱- گرایش انسان به زیبایی زمینی گرایشی همساز با سرشت انسان و خوب است.

۲- زمین‌گردشگر به دریافت بهتری از زیبایی زمینی می‌رسد و از این رو احساس زیباشناسی بهتری از رویارویی با پدیده‌های زیبای زمینی دارد.

۳- برداشت بهتر زمین‌گردشگر از زیبایی‌های زمینی می‌تواند او را در رسیدن به دریافت بهتری از زیبایی به‌عنوان ویژگی‌ای ناب یاری دهد.

نکته‌ای که باید پیش از آغاز پژوهش پیش رو یادآور شد این است که این جستار بر پایه پیش‌انگاره درهمان‌گرایی یا عینیت‌گرایی در گفتمان زیبایی‌شناسی استوار است. به گفته روشن‌تر، می‌توان درباره زیبایی دو دیدگاه داشت: یکی این که زیبایی ویژگی‌ای بی‌چون و چرا و آزاد از دریافت کنش‌گر شناسا است و بی آن که کسی آن را دریابد می‌تواند هستی داشته باشد، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت زیبایی برای هستی یافتن، هیچ نیازی به کنش‌گر شناسا ندارد، بلکه این کنش‌گر شناسا است که برای برخوردارگی از احساسی بهتر از هستی نیازمند درک آن است. بر پایه دیدگاه یاد شده، در زمین پدیده‌های زیبایی هستند و اگر کسی آنها را زیبا نداند از خرد همگانی برخوردار نیست. دیدگاه درهمان‌گرایی یا عینیت‌گرایی بر پایه خرد همگانی استوار است و اگر چه اثبات آن به گفته افلاطون در هیپاس بزرگ (Hippias Major) دشوار است، اما برای همگان پذیرفتنی‌تر است. دیدگاه دیگر درباره زیبایی دیدگاه شناساگرایی است که برابر با آن زیبایی پدیده‌ها جدای از کنش‌گر شناسا در آن پدیده‌ها هستی ندارد. بلکه زیبایی یک پدیده، چیزی است که آن را نه در خود پدیده که در احساس یا دریافتی باید جست که کنش‌گر شناسا از آن پدیده دارد. برابر با این دیدگاه، اگر کنش‌گر شناسایی نبود زیبایی‌ای هم نبود؛ از این رو اگر انسان پدیده‌ای را زیبا دانست آن پدیده زیباست و اگر نه آن پدیده زیبا نیست. بر این پایه، اگر میان زیبایی‌شناسی دو کس از یک چشم‌انداز ناسازگاری پیدا شد، نمی‌توان گفت که کدام یک درست و کدام یک نادرست می‌گوید و باید گفت هر دو درست می‌گویند. این دیدگاه که زیبایی را ویژگی‌ای وابسته به کنش‌گر شناسا می‌داند دیدگاه شناساگرا نامیده می‌شود که دیدگاهی به دور از خرد همگانی است (در این گفتار دو نام واژه درهمان‌گرایی و شناساگرایی از سوی نگارنده، برابر نهاده دو واژه انگلیسی objectivism و subjectivism گذارده شده‌اند تا دستیابی به تراویدایی واژه‌ای (lexical transparency) در این معنا را آسان‌تر سازند. همچنین گفتنی است که واژه‌ی تراویدایی از واژگان زمین‌شناسی، دکتر فریب (Moore, 2003) در ساخت واژگروه یادشده وام گرفته شده است. بر پایه گفته Ruskin (1856) در فرهنگ آرایه‌ها و نگره‌های ادبی (Cuddon, 1999)

نمودهای زمینی زیبایی در پیرامون خود دیده و از آنها وام گرفته است) به ساختن نمونه‌های تازه‌ای برای آن دست بزند و این همان جایی است که آفرینش کارهای هنری آغاز می‌شود. کارهای هنری بی‌گمان نمودهای دیگری از ویژگی «زیبا» هستند و از روی برنمادی ساخته شده‌اند که می‌تواند از زمین و پدیده‌های زیبای زمینی در اندیشه انسان هستی یافته باشد.

حال اگر برداشتی از زیبایی که برای نخستین بار از پدیده‌های زمینی به دست آمده است، برداشتی روشن تر یا با کمترین اندازه پیچیدگی باشد، برنماد اندیشی بهتری را برای آفرینش کارهای هنری به دست انسان خواهد داد؛ چه، اگر برداشت انسان از ویژگی زیبایی روشن نباشد، درباره نمودهایی ناروا (نازیبا) نیز به کار گرفته خواهد شد و از این رو می‌تواند به زیبا انگاشتن آن نمودهایی بیانجامد که تنها از روی در پرده و ناروشن بودن برداشت زیبایی، زیبا انگاشته شده‌اند اما به راستی نمودی از زیبایی نیستند؛ و بر این بنیاد، کارهایی پدید خواهد آمد که زیبا نیستند اما از روی کنز انگاری زیبا دانسته می‌شوند. به باور ما، اگر نگوئیم تنها دلیل اما یکی از آشکارترین دلیل‌های ناهمسازی در نگرش‌های هنری انسان‌ها همین رویداد است و از این روست که برخی کاری را دارای ارزش هنری می‌دانند و برخی دیگر با این داوری همساز نیستند. افزون بر آفرینش کار هنری، در جایگاه داوری درباره کار هنری نیز می‌توان گفت کسی که برداشت روشن تری از زیبایی دارد بهتر می‌تواند نمودهای زیبایی را از جز آن جدا کند و بازشناسد. داوران کارهای هنری هم که در پی داوری درباره این کارها هستند و می‌خواهند کارهایی را که ارزش زیباشناختی بیشتری دارند شناسایی کنند، اگر برداشت اندیشی آنها از "زیبایی" برداشتی ناروشن باشد چه بسا در داوری خود به راه نادرست خواهند رفت.

بر پایه نگرش ما، نداشتن برداشتی هر چه روشن تر از "زیبایی"، اگر نگوئیم تنها زمینه ولی از آشکارترین زمینه‌های ناهمسازی در داوری کارهای هنری و کژداوری درباره چنین کارهایی ست. هر چند مایه شگفتی است ولی در پرتو این خردورزی پذیرفتنی می‌نماید که آفریننده یا داور یک کار هنری نیز با روی آوردن به زمین‌گردی می‌تواند در کار خود از کامیابی بیشتری برخوردار باشد، تا این که در کنجی بنشیند و خود را از دیدن و دریافتن چهره‌های زیبا و گونه‌به‌گونه زمینی بی‌بهره سازد.

۶- نتیجه‌گیری

زمین‌گردشگری و گردشگری در طبیعت با فراهم آوردن بخت شایسته در دستیابی به خیلی از داده‌های بکر و دست‌نخورده زمینی از راه گردش در طبیعت و کاوش و نگرش در پدیده‌های بی‌شمار زمین‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی آن می‌تواند تعریفی روشن تر از "زیبایی" و نیز ابزاری پایدارتر در داوری درباره زیبایی به دست دهد. از آنجا که سرشت انسان در هماهنگی‌ای ریشه‌دار با گرایش وی به سوی زیبایی‌جویی در ریخت‌های زمینی است و با چشم‌داشت به این باور درست که زمین در فراوانی خود خاستگاهی برترین از زیبایی آرمانی را به دست انسان می‌دهد، زمین‌گردشگر در گردش و کاوش خود با گام نهادن در راه‌هایی که به نگاهی نزدیک تر به تار و پود درهم تنیده از بافت‌مان گسترده زمین می‌انجامد، در جست‌وجویی خردگرایانه در گیر می‌شود که به دستیابی وی به برداشت اندیشی روشن تری از "زیبایی" می‌انجامد؛ و این همه، راهی ایمن تر را در رسیدن به رویکردی پایدار به زمین‌گردشگری پیش روی می‌نهد، چرا که کنش کلیدی را به نگرش زمین‌گردشگر به زمین می‌دهد تا تنها به پافشاری و بزرگنمایی صنعت زمین‌گردشگری.

رو، نیازی نیست که ما از «نهادی» برداشت بیشینه آن را بجوئیم تا از این راه گرفتار خرده‌گیری نکوهندگان نهادی‌گرایی (Essentialism) شویم.

بر این پایه، اگر بتوان پذیرفت که گرایش به زیبایی زمینی در درازای تاریخ در زندگی گونه انسان تکرار و پایایی داشته و از این رو نهادینه این گونه است (اگر چه برداشتی کمینه از نهادینگی باشد)، باز این ارزشمند بودن، این گرایش را از نگاه خردگرایانه پذیرفتنی نمی‌سازد. اما اگر بدسرشتی گونه انسانی را پذیرا باشیم، هر آنچه که بسته و بایسته سرشت انسانی است را نمی‌توانیم ارزشمند بدانیم. پس باید بپذیریم که سرشت انسان، خوب است و سنجه خوبی و بدی کارهای انسان را سازگاری و ناسازگاری آنها با سرشت وی بدانیم. به گفته دیگر، اگر آدمی را در سرشت آفریده‌ای بد بدانیم دیگر نمی‌توانیم آن چه که بایسته سرشت اوست و از او سر می‌زند را ارزشمند به‌شمار آوریم. بر این بنیاد، باید اثبات کرد که آدمی سرشتی خوب دارد و آنچه که از روی سرشت به دنبال آن است، خوب است؛ این پیش‌انگاره خود باید روشن‌گری شود اما روشن‌گری آن در این جستار نمی‌گنجد. از این رو، از این پس کسانی می‌توانند در پی آیند این جستار با ما همراهی کنند که این پیش‌انگاره را پذیرفته باشند. اگر چه این پیش‌انگاره نیز همساز با خرد همگانی است و همگان، بدی را گونه‌ای کژی و واگرایی از هنجار طبیعی به‌شمار می‌آورند.

۵- ارزش زمین‌گردشگری

چنان که گفتیم انسان از روی سرشت به دنبال زیبایی‌های زمینی است و از آنها لذت می‌برد و این برخوردارگی جویی و لذت بردن از آنجا که همساز با سرشت آدمی است ارزشمند و خوب است. اما آیا کار زمین‌گردشگر افزون بر برخوردارگی جویی از فراسوی زیستگاه خود و راهنوردی در سرزمین‌های جغرافیایی دیگر (که بی‌گمان ارزش خودش را دارد) ارزش بیشتری هم می‌تواند داشته باشد؟ پاسخ آری است. زمین‌گردشگر از پی گردش و زمین‌نوردی به ارزش‌هایی دست می‌یابد که بدون گردشگری دشوار بتوان به آنها دست یافت؛ چرا که:

یکم: زمین‌گردشگر با گردش دیالکتیکی (نگارندگان در پژوهش دیگری که در آینده، پیش روی خوانندگان ارجمند خواهد شد در جستاری زمین‌گردشگری دیالکتیک را در هفت گامه خردورزانه روشن‌گری خواهند کرد.) خویش به دریافتی روشن از زیبایی و یا برداشتی که کمترین پیچیدگی در این باره داشته باشد دست می‌یابد. یعنی وی نیاز زیباشناسانه خود را با زیبایی ناب‌تری که در اندیشه او از پی نگرستن در بی‌شماری از پدیده‌های زیبای زمینی به دست آمده است، سیراب می‌کند؛ همچون کسی که به‌جای از میان بردن تشنگی همیشگی خود با آب آمیخته به دیگر چیزها، یک راست به آب پاک یا آبی که اندازه خودبودگی (واژه خودبودگی ساخته نگارنده، برابر نهاده واژه انگلیسی purity است که در این بافتار از سوی نگارنده برای رسیدن به تراویدایی واژه‌ای در این معنا به کار گرفته شده است.) بیشتری دارد دست می‌یابد و از پی برآوردن نیاز خود به آب احساس بهتری پیدا می‌کند؛ زمین‌گردشگر هم، گرایش نهادی خود را به زیبایی با زیبایی ناب‌تری برآورده می‌سازد و احساس زیباشناختی بهتر و خوشاینده‌تری در هم‌سنجی با دیگر کسان خواهد داشت.

دوم: بی‌گمان آدمی پیش از این که به آفرینش زیبایی هنری بپردازد، زیبایی‌های طبیعی را دیده و دریافته است. پدیده‌های زیبای زمینی نیز چیزهایی بوده‌اند که انسان از پی نگرستن به آنها به دریافت زیبایی در کالبد آنها (زیبایی آمیخته با آنها) رسیده است؛ یعنی این پدیده‌ها نمودهایی از ویژگی زیبایی برای انسان بوده‌اند و انسان برداشت خود از زیبایی را از آنها برگرفته است و در گامه سپسین انسان آفرینش‌گر کوشیده است تا از روی برنماد اندیشی (واژگروه برنماد اندیشی) (اندیشش از ریشه اندیش) بر سر ساخته شده است) از سوی نگارنده، برابر نهاده واژه انگلیسی mental concept گذارده شده است.) خود از زیبایی (که آن را از پی نگرستن در

References

- Amrikazemi, A., 2010- Atlas of Geopark & Geotourism Resources of Iran, Geoheritage of Iran. Translated into English by Mehrpooya A., Edited by Good I., Ministry of Industries and Mines, Geological Survey of Iran & National Geoscience Database of Iran, Tehran, Iran. 19.
- Cuddon, J. A., 1999- A Dictionary of Literary Terms and Literary Theory, Fourth Edition, Penguin Books, England, 874. (the original essay 'Of The Pathetic Fallacy' by John Ruskin published in Modern Painters, volume iii, pt. 4, 1856, to be retrieved at: <http://www.ourcivilisation.com/smartboard/shop/ruskinj/>)
- Dowling, R. K. & Newsome, D., (eds), 2006- Geotourism, Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann.
- Dowling, R. K. & Newsome, D., 2006- Geotourism's Issues and Challenges, in: Dowling R.K. and Newsome D. (eds) (2006), Geotourism. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann, 248.
- Dowling, R. K. & Newsome, D., 2006- The Scope and Nature of Geotourism, in: Dowling R.K. and Newsome D. (eds) (2006), Geotourism. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann, 3-4.
- Frey, M. L., 1998- Geologie – Geo – Tourismus – Umweltbildung: Themen und Tätigkeitsbereiche im Spannungsfeld Ökonomie und Nachhaltige Entwicklung. Terra Nostra, Schriften der Alfred-Wegener Stiftung, 98/3, 150 Jahre Dt. Geol. Ges., 06.-09.10.1998, Technical University Berlin. Programme and Summary of the Meeting Contributions, Technical University Berlin.
- Frey, M. L., Schäfer, K., Büchel, G. & Patzak, M., 2006- Geoparks - a regional, European and global policy. - In: Dowling, R.K. & Newsome, D. (Eds.), Geotourism, Elsevier (Amsterdam), 95-117.
- Hose, T. A., 1994- Hunstanton Cliffs Geological SSSI – A Summative Evaluation. Buckinghamshire College. in: Hose, T. A., (2006). "Geotourism and interpretation", in: Dowling R.K. and Newsome D. (eds) (2006), Geotourism. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann, 222.
- Hose, T. A., 1995- "Selling the Story of Britain's stone. Environmental Interpretation, 10(2), 16-17, in: Hose, T. A., (2006). "Geotourism and interpretation", in: Dowling R.K. and Newsome D. (eds) (2006), Geotourism. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann, 221.
- Hose, T. A., 1996- "Geotourism, or can tourists become casual rock hounds?" In: Bennett, MR, Doyle, P., Larwood, JG & Prosser, CP (eds) Geology on your Doorstep. Geological Society, London, 207-228. in: Hose, T. A., (2006). "Geotourism and interpretation", in: Dowling R.K. and Newsome D. (eds) (2006), Geotourism. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann, 222.
- Hose, T. A., 2000- "European 'Geotourism' - geological interpretation and geoconservation promotion for tourists". In: Geological Heritage: its conservation and management. D. Baretino, WAPWimbledon, E. Gallego (eds), Madrid, Spain, 127-146. in: Hose, T. A., (2006). "Geotourism and interpretation", in: Dowling R.K. and Newsome D. (eds) (2006), Geotourism. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann, 222.
- Hose, T. A., 2006- "Geotourism and interpretation", in: Dowling R.K. and Newsome D. (eds) (2006), Geotourism. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann, 221-222.
- Moore, F., 2003- Vocabulary of Geology, Iran University Press, Tehran, 350.
- National Geographic, 2007- About Geotourism, Mission Programs, Center for sustainable destinations, (December 2007) www.nationalgeographic.com/travel/sustainable/. Retrieved June 5, 2010. From www.ecapechamber.com/pdf/AboutGeotourism9-07.pdf
- Plato, HIPPIAS Major, ELPENOR, The Greek Word. Copyright: Elpenor 2006-, Retrieved June 5, 2010. from <http://www.ellopos.net/elpenor/greek-texts/ancient-greece/plato/plato-hippias-major.asp>
- Robertson, C., 1997- Wordsworth Dictionary of Quotations, Wordsworth Editions LTD, 350.